

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محمد محق

۱۱ اگست ۲۰۲۲



محمد محق

## امنیت در افغانستان، سلبی یا ایجابی؟

در جامعه‌ای مانند افغانستان که بیش از چهار دهه جنگ و خشونت را در حافظه خود دارد هیچ چیزی مهم‌تر از امنیت نیست، و نخستین مطالبه‌ای که مردم از هر حاکمیتی دارند اولویت بخشیدن به این امر است. تا این‌جا روشن است و هیچ کس تردید ندارد. اما آنچه در ادامه آن و به همان پیمانه، اهمیت می‌یابد این است که آیا این امنیت به شکل ایجابی و مثبت تأمین شده است یا به شکل سلبی و منفی. مراد از شکل ایجابی امنیت فراهم آوردن زمینه‌هایی است که به برچیده شدن بستر منازعه منتهی شود؛ به سان همه کشورهای باثباتی که روند توسعه را بخوبی طی کرده‌اند و مردم شان در رفاه به سر می‌برند. این نوع از امنیت مؤلفه‌هایی دارد که آن را از امنیت منفی متمایز می‌سازد.

اولین مؤلفه‌ای که امنیت ایجابی دارد این احساس شهروندان است که حکومت‌داران کارگزاران و دست نشانگان شان هستند و دست‌مزدی که از منابع عمومی می‌گیرند برای عرضه خدمات به آنان است. هنگامی که شهروند احساس آقایی کند و حکومت را در مقام خدمت‌گذار خود ببیند، آن را از خود دانسته و جای ترس از آن را اعتماد می‌گیرد. اعتماد مردم به نظام حاکم سبب می‌شود که نه تنها از قانون‌شکنی بپرهیزند، بلکه به آن احترام نهاده و به اجرای آن کمک کنند، و این دومین مؤلفه امنیت ایجابی است. در جامعه‌ای که اعتماد میان نظام و مردم وجود داشته باشد زمینه برای مشارکت در زندگی سیاسی و اجتماعی فراهم شده، کسی به حاشیه رانده نمی‌شود، و این مؤلفه سوم امنیت ایجابی است. مشارکت لزوماً مشارکت در حکومت نیست، بلکه برخورداری از فرصت‌های برابر برای به عهده گرفتن نقش فعال در عرصه عمومی همراه با مصونیت حریم خصوصی است. شهروندان حق دارند در سرنوشت خود دخیل باشند و در جایی که کمی و کاستی می‌بینند به آن اعتراض کرده، به اصلاح آن بکوشند، و اگر اعتراض شان به جایی نرسید با اقدامات مسالمت‌آمیز راه‌های فشار بر دستگاه حاکم را در پیش بگیرند. وجود فضای امن برای فعالان و کنش‌گران سیاسی و اجتماعی مؤلفه چهارم امنیت ایجابی است، زیرا مردم ناگزیر نمی‌شوند برای رساندن صدای شان به گوش دستگاه حاکم به قوه قهریه متوسل شده، امنیت عمومی را دچار تزلزل کنند. این همان چیزی است که در کشورهای باثبات می‌بینیم.

امنیت سلبی این است که وضعیتی به ظاهر آرام از طریق سرکوب و فشار بر شهروندان تحمیل شود، اما با خاموش کردن هر گونه صدای اعتراض و واداشتن همگان به تمکین و تسلیم. این شیوه ممکن است برای مدت محدودی کار بدهد، اما هیچ گاه به امنیت و ثبات پایدار نخواهد انجامید. در جایی که اعضای دستگاه حاکم خود معادل قانون باشند و تطبیق قانون رسمی تنها به بخش‌های ضعیف و بی‌دفاع جامعه منحصر بماند امنیت واقعی شکل نمی‌گیرد. شهروندی که احساس کند به محض سخن گفتن یا متفاوت اندیشیدن در معرض دستگیری و شکنجه قرار دارد و زندگی خود یا خانواده‌اش در معرض خطر است، هیچ گاه در امنیت به سر نمی‌برد. این، امنیتی مصنوعی و سست است که نمی‌تواند به جلب سرمایه‌گذاری، به جلوگیری از فرار مغزها و تخصص‌ها، و به پویایی و شکوفایی جامعه منتهی شود. جامعه سرکوب‌شده حتی اگر در ظاهر امنیت هم داشته باشد، در باطن آبستن خشم، عقده و حس انتقام‌جویی خواهد بود و کشوری که از تبعیض، نابرابری و ظلم رنج ببرد همیشه مستعد شورش و خشونت خواهد ماند. طالبان هم اگر ادعا می‌کنند که امنیت آورده‌اند باید ریشه‌های بحران را شناخته و به امنیت پایدار ببندیشند. از قطع کردن موقت آنتن‌های مخابراتی و وسایل ارتباطی تا امنیت پایدار مسافتی دراز در پیش است.